

در این شماره، صادرات غیر نفتی ایران را به تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ضمن این بررسی مشخص میشود که میزان این صادرات نسبت به امکانات بالقوه صادراتی محصولات کشاورزی کم بوده و توجه خاصی به این امر مبذول نشده است.

در ادامه بحث بازرگانی خارجی (بدون نفت) که در شماره قبل از نظران گذشت، شاهد عدم موازنه بازرگانی خارجی بودیم. بالا رفتن درآمدهای حاصل از صدور نفت و افزایش واردات نیز موجب گردید که موازنه منفی رقم بالاتری را بخود اختصاص دهد.

(قسمت دوم)

# صادرات غیر نفتی به تفکیک بخشهای اقتصادی

صادرات غیر نفتی به تفکیک بخشهای اقتصادی  
 رهایی کشور از وابستگی اقتصادی که یکی از اهداف بزرگ ملت ایران بوده، تسلیور عملی خود را در انقلاب اسلامی نشان داد و هم اکنون با تلاشی همه جانبه می رود که این زنجیر پوسیده از هم گسسته شود.  
 آنچه مسلم است یکی از عوامل عمده وابستگی کشور، اقتصاد تک محصولی و متکی به نفت می باشد که بجا مانده از سیاستهای شوم استعمار جهانی بوده و می بایست از محیط اقتصادی کشور زدوده شود. این امر زمانی امکان پذیر است که سیاست اصولی و منسجمی در خصوص بازرگانی خارجی ایران اعمال شود. یکی از روشهایی که بعد از انقلاب به شکل حادثری مطرح شد، تقویت صادرات غیرنفتی کشور در جهت تأمین ارز مورد نیاز کشور بوده است؛ چرا که اگر به امکانات بالفعل و بالقوه مملکت نگاهی گذرا داشته باشیم، خواهیم دید که کشور ما جز نفت ثروتهای خدادادی فراوانی دارد. ما دارای دومین منابع گاز دنیا بوده، و در ضمن از لحاظ انواع مختلف معادن، کشوری بسیار غنی هستیم؛ بطوریکه گفته میشود، در مجموع انوار این حیث در ردیف پنجم کشورهای جهان قرار داریم و متأسفانه چه در گذشته و چه در حال حاضر از تمام امکانات آب و خاک کشور، استفاده بهینه به عمل نیامده و در نتیجه صادرات غیر نفتی رقم بسیار ناچیزی را بخود اختصاص داده است و این امر در جدول شماره (۱) کاملاً مشهود است. همانطور که آمارها در این جدول نشان میدهند، از بین صادرات غیر نفتی کشورمان، محصولات کشاورزی و تولیدات سنتنی قسمت اعظم را بخود اختصاص داده و محصولات صنعتی فقط جزء ناچیزی را تشکیل داده است.

اینگونه محصولات سهم آن افزایش یافت بطوریکه رقم صادراتی آن در سال ۱۳۶۵ رشد چشمگیر داشته است. حال به بررسی جداگانه هر یک از بخشهای مزبور می پردازیم.  
 صادرات محصولات کشاورزی: تا پیش از استخراج نفت، کشاورزی یکی از منابع اصلی تأمین ارز در اقتصاد کشور بوده است، ولی به موازات توسعه صادرات نفت، از اهمیت آن کاسته شد. البته در ابتدای افزایش صدور نفت میزان صادرات فرآورده های کشاورزی بر واردات آن فزونی داشت. اما این روند متأسفانه با اجرای برنامه های غلط و استعماری شاه و طرح شعار صنعتی شدن و اختصاص اکثر منابع برای این بخش و توجه بیشتر بر آن، همزمانی آن با افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی بتدریج دگرگون شد. در طول برنامه چهارم عمرانی (۵۱-۱۳۴۷)، میزان واردات مواد غذایی و فرآورده های کشاورزی به میزان ۱۸۳۸۵ میلیون ریال از صادرات آن پیشی گرفت؛ این موازنه در سال ۱۳۴۸ برابر ۶۱/۳ میلیارد ریال به نفع صادرات بود که به ۲ میلیارد ریال کسری در سال ۱۳۵۲ تبدیل شد. این موازنه منفی در طول برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۱) به حدود ۳۷۲۷۹۰ میلیون ریال، یعنی بیش از ۲۰ برابر رقم برنامه چهارم عمرانی رسید. به مفهومی دیگر، تداوم این روند مستلزم آن بود که بخش اعظم درآمد نفتی کشور به واردات محصولات غذایی، که امکان تولید آن را با برنامه ریزی دقیق و استفاده از امکانات بالقوه موجود در داخل داریم، اختصاص داده شود؛ و چنین نیز شد.

## صادرات محصولات کشاورزی و تولیدات سنتنی

همانطور که در جدول شماره (۱) نیز مشاهده میشود، سهم بخش کشاورزی و تولیدات سنتنی در صادرات غیر نفتی کشور در دوره قبل از انقلاب کاهش یافته، بطوریکه سهم آن از ۹۱ درصد در کل صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۴۴ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۵۷ رسید و در دوره بعد از انقلاب با تأکید بر صادرات غیر نفتی و امکانات سهلتر صدور اینگونه محصولات سهم آن افزایش یافت و به ۸۱/۷ درصد در سال ۱۳۶۳ بالغ گردید؛ و مجدداً با تأکید بر

با بررسی نمودار شماره (۱) نیز شاهد افزایش شکاف بین صادرات و واردات کالاهای کشاورزی و دامی هستیم، بطوریکه چه در دوره قبل و چه بعد از انقلاب قسمت اعظم نیاز داخلی محصولات کشاورزی از طریق واردات تأمین می شد.  
 با بررسی آماری بین سالهای ۶۲-۱۳۵۲ (جدول شماره ۲) درمی یابیم که حداکثر میزان صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۵۲ معادل ۲۴۹۹ میلیارد ریال بوده که در سالهای بعد کاهش شدیدی پیدا نموده و به حداقل خود - ۱۱/۶ میلیارد ریال - در سال ۱۳۵۹ می رسد. مجدداً بعد از آن سال، همزمان با کاهش درآمدهای نفتی و با تغییر سیاستهای دولت، به صادرات



(واحد: میلیون دلار)

سال	جمع		بخش کشاورزی و تولیدات سنتی		بخش صنعتی		بخش کلوخه‌های کانی و فلزی	
	ارزش	درصد سهم	ارزش	درصد سهم	ارزش	درصد سهم	ارزش	درصد سهم
۱۳۴۴	۱۸۰/۸	۱۰۰	۱۶۴/۶	۹۱/-	۵/۵	۳/-	۱۰/۷	۵/۹
۱۳۴۷	۲۱۶/۹	۱۰۰	۱۸۴/۹	۸۵/۲	۲۴/۶	۱۱/۳	۷/۴	۳/۴
۱۳۵۰	۳۳۴/۶	۱۰۰	۲۵۶/۴	۷۶/۶	۶۱/۷	۱۸/۴	۱۶/۵	۴/۹
۱۳۵۳	۵۸۱/۵	۱۰۰	۳۸۵/۶	۶۶/۳	۱۶۳/۱	۲۸/-	۳۲/۸	۵/۶
۱۳۵۵	۵۹۲/۹	۱۰۰	۳۷۷/۱	۶۳/۷	۱۵۲/۶	۲۸/۳	۱۰/۲	۱/۹
۱۳۵۷	۵۴۲/۸	۱۰۰	۳۶۸/۹	۶۸	۱۶۳/-	۳۰/-	۱۰/۹	۲/-
۱۳۵۸	۸۱۱/۸	۱۰۰	۷۲۴/۸	۸۹/۳	۶۶/۴	۸/۲	۲۰/۶	۲/۵
۱۳۶۰	۳۳۹/۵	۱۰۰	۳۲۱/۳	۹۴/۶	۱۳/۲	۳/۹	۵/-	۱/۵
۱۳۶۲	۳۵۶/۶	۱۰۰	۳۱۸/۱	۸۹/۲	۲۶/-	۷/۳	۱۲/۵	۳/۵
۱۳۶۳	۳۶۱/۱	۱۰۰	۲۹۵/-	۸۱/۷	۲۷/۳	۷/۶	۳۸/۸	۱۰/۷
۱۳۶۵*	۹۰۰	۱۰۰	۷۶۵/-	۸۵/-**	۱۹/۸	۲/۳	۲۷	۳/-

\* آمارهای مربوط به سال ۶۵، تقریبی است.

\*\* ۸۵ درصد مختص به تولیدات بخش کشاورزی و فرش می باشد و دیگر تولیدات سنتی را در بر نمی‌گیرد.

مأخذ: مرکز توسعه صادرات ایران

اینگونه محصولات اهمیت بیشتری داده شد و در نتیجه، میزان صادرات افزایش پیدا کرد و به ۱۷/۱ میلیارد ریال در سال ۶۲ رسید و سپس به ۲۸/۹ میلیارد ریال در سال ۶۵ بالغ گردید؛ که این افزایش ناشی از افزایش صادرات فرش و میوه‌های تازه و خشک و تره‌بار می باشد.

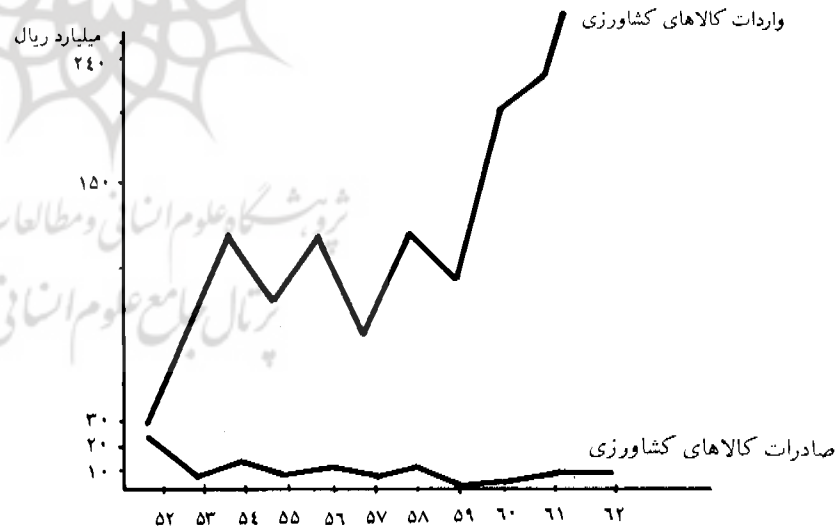
از سوی دیگر واردات اینگونه محصولات آنگونه که در نمودار شماره (۱) نیز مشهود است نوسانات بسیار شدیدی داشته و جز در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۹ که واردات نسبت به سالهای قبل، کاهش پیدا کرده، در سالهای دیگر همواره سیر صعودی را طی نموده است. علت کاهش در طی سال ۱۳۵۵ ناشی از افزایش تولید محصولات مزبور در این سال می باشد. در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری مبارزات ملت مسلمان ایران و پیروزی انقلاب در واردات کالاهای کشاورزی و یا به عبارتی در کل واردات تأثیر فراوانی داشته و با شعار حذف واردات کالاهای غیر اساسی، مصرف بسیاری از کالاهای تحریم شد. در ضمن قطع رابطه با بعضی کشورهای منجمه آمریکا، اسرائیل و آفریقای جنوبی عامل دیگری در جهت کاهش واردات محسوب می شود. در سال ۱۳۵۹ نیز بدنبال تحریم اقتصادی کشورهای اروپایی و شروع جنگ تحمیلی و محدودیت ارز، واردات نسبت به سال ۱۳۵۸ کاهش پیدا کرد.

البته از جمله عوامل عمده فاصله بین واردات و صادرات محصولات کشاورزی را می توان ناشی از عدم استفاده از امکانات موجود دانست. چرا که ما علیرغم وجود منابع طبیعی و استعداد های فراوان در کشاورزی کشور (جدول شماره ۳) و اینکه حدود ۵۰ درصد جمعیت مملکت در روستاها ساکن هستند و ۳۵ درصد از نیروی فعال کشور در این رشته فعالیت دارند، کشاورزی موفق نداشته ایم.

با توجه به ارقام ارائه شده در جدول شماره (۳)، همواره مقادیر زیادی از امکانات بالقوه موجود به هدر می رود، در حالیکه می توان با برنامه ریزی صحیح در این زمینه به خود کفایی رسید و صادرات را نیز توسعه داد.

صادرات عمده بخش کشاورزی عبارتند از: پنبه، پسته، کشمش و مویز، گیاهان دارویی، پشم و پوست، روده و میوه های تازه و تره بار و... البته بیشترین سهم را در این بین در دوره قبل از انقلاب پنبه برعهده داشت، ولی پس از انقلاب نه تنها صادرات این کالا افزایش نیافت بلکه کاهش نیز پیدا کرد، بطوریکه در سال ۶۰ صادرات آن بکلی قطع گردید و برای رفع احتیاجات داخلی مقداری پنبه نیز از خارج وارد گردید. علت کاهش تولید و بالطبع تنزل میزان صادرات پنبه را باید ناشی از کاهش سطح زیر کشت این محصول، مشخص نبودن وضعیت زمین در دوره بعد از انقلاب و فرار سرمایه داران بزرگ که قسمت عسده ای از زمینهای منطقه گرگان و گنبد را در اختیار

نمودار شماره (۱) واردات و صادرات کالاهای کشاورزی و دامی



مأخذ: اقتباس از آمارهای وزارت کشاورزی

واحد: میلیارد ریال

صادرات فرآورده های کشاورزی

جدول شماره (۲)

سال	۱۳۵۲	۵۴	۵۶	۵۷	۵۹	۶۰	۶۲	۶۵
صادرات	۲۴/۹	۲۰/۹	۲۱	۷/۷	۱۱/۶	۱۲/۲	۱۷/۱	۲۸/۹

مأخذ: وزارت کشاورزی

نوع و منابع تولید	واحد	برآورد امکانات بالقوه	حدود امکانات بالفعل*	ملاحظات
اراضی قابل کشت	میلیون هکتار	۵۱	۱۶	مشکلات مختلف در این زمینه موجب پائین بودن بازدهی از حد متعارف است.
آب قابل استفاده در کشاورزی	میلیارد متر مکعب	۱۲۰	۵۸	حدود دو سوم از ۵۸ میلیارد متر مکعب در آبیاری و مزارع تلف می شود.
تولید علوفه و مراتع در سال	میلیون تن	—	۱۰	بمروزرمان به علت عدم احیاء چرای بی رویه در حال کاهش است.
تولید چوبهای جنگلی در سال	میلیون متر مکعب	۵	۱/۳	تولید با توجه به حفظ موجودی و افزایش کیفیت قابل حصول است.
جنگلهای حفاظتی	میلیون هکتار	۱۲	۱۲	تا دو دهه قبل جمع و وسعت جنگلها به ۱۸ میلیون هکتار می رسد که فعلاً در حال تخریب است.
ماهیهای خوراکی	هزار تن	۴۰۰-۵۰۰	۲۰-۳۰	بهترین منبع کمکی پروتئین که از دست میرود.
ماهیهای غیرخوراکی	هزار تن	—	حدود ۱	فعلاً برای تأمین آرد ماهی بخارج وابسته هستیم.
تولید گوشت قرمز	هزار تن	۷۵۰-۷۰۰	۲۰۰	بازدهی کم به علت کمبود علوفه و مشکلات بهداشتی و درمانی و به نژادی است.
گوشت مرغ	هزار تن	۲۵۰-۲۰۰	۱۶۰	بازدهی کم به علت وابستگی دان و طیور و جمیع بخارج
تخم مرغ	هزار تن	۳۰۰	۲۲۰	بازدهی کم به علت وابستگی دان و طیور و جمیع بخارج
شیر و مواد لبنی	هزار تن	۴۰۰-۵۰۰	۳۴۰	بازدهی کم به علت کمبود علوفه و وجود مشکلات بهداشتی و درمانی و به نژادی

\* مقدار تولید، مربوط به امکانات بالفعل متوسط تولید سالهای ۱۳۶۰ و ۶۱ و ۶۲ می باشد.

مأخذ: وزارت کشاورزی

داشتند، دانست.

صادرات میوه های تازه و خشک در دوره قبل از انقلاب در مقام دوم، بعد از پنبه قرار داشته، و در دوره بعد از انقلاب بین محصولات کشاورزی بیشترین رقم را بخود اختصاص داده است. طی سالهای ۵۶-۱۳۵۱ ارزش صادرات اینگونه کالاها افزایش یافت و از ۵۷/۴ میلیون دلار در سال ۵۱ به ۱۱۹ میلیون دلار در سال ۵۶ رسید. ولی در دوره ۶۱-۱۳۵۸ صادرات میوه های تازه و خشک بطور متوسط سالانه ۱۲ درصد کاهش پیدا کرد و از حدود ۱۱۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به حدود ۷۹ میلیون دلار در سال ۶۱ تنزل یافت؛ مجدداً صادرات آن افزایش پیدا کرد بطوریکه به رقم ۲۲۵ میلیون دلار در سال ۱۳۶۵ رسید.

در بین اقلام صادرات خشکبار ایران، پسته نقش عمده ای را ایفا می کند، بطوریکه از ۴۲/۸ هزار تن محصولات صادراتی خشکبار در سال ۱۳۶۱ به ارزش ۶۶۹۲ میلیون ریال، ۳۰۳۶ میلیون ریال آن به صادرات پسته اختصاص دارد و مابقی مختص صادرات کشمش و مویز (در مقام دوم پس از پسته)، بادام، برگه زردآلو... می باشد. البته تولید پسته پس از انقلاب به علت تغییرات جوی دارای نوسان بوده و صادرات آن از لحاظ وزنی و ارزشی کاهش یافت. بطوریکه در سال ۱۳۵۶، صادرات پسته ۳۵۲۶ میلیون ریال بوده که ۲۱۳۳۹ میلیون ریال در سال ۱۳۵۹ کاهش یافته است و مجدداً در سال ۶۱ تا حدودی افزایش یافت ولی به رقم سال ۵۶ نرسید.

علت کاهش صادرات پسته را علاوه بر نامناسب بودن آب جوی می توان ناشی از بالا بودن قیمت پسته ایران

و تبلیغات سوء رقبا بخصوص امریکا - مبنی بر اینکه برای بدست آوردن بازار پسته ایران، آلودگی پسته ایران را شایع کرده بود - دانست. البته بعد از سالهای ۵۹ به علت معاملات پایابای شرکت تعاونی پسته رفسنجان شاهد افزایش صادراتی این محصول هستیم.

**● از جمله عوامل عمده فاصله بین واردات و صادرات محصولات کشاورزی را می توان ناشی از عدم استفاده از امکانات موجود دانست. چرا که ما علیرغم وجود منابع طبیعی و استعدادهای فراوان در کشاورزی و اینکه حدود ۵۰ درصد جمعیت مملکت در روستاها ساکن هستند و ۳۵ درصد از نیروی فعال کشور در این رشته فعالیت دارند، کشاورزی چندان موفقیتی نداشته ایم.**

صادرات خشکبار ایران در سال ۱۳۶۲، ۴۳ هزار تن، معادل ۹۸۰۶ میلیون ریال بوده که به ۷۵ هزار تن برابر ۱۱۸۱۱ میلیون ریال در سال ۶۵ رسیده است.

صادرات میوه و تره بار متأسفانه در مقایسه با امکانات صادراتی آن بسیار ناچیز است. صادرات انواع این

محصولات در سال ۶۱ معادل ۵۱۳۷ تن به ارزش ۱۵۰ میلیون ریال بوده که به رقم، ۶۰ هزار تن به ارزش ۱۵۸۰ میلیون ریال در سال ۶۴ رسیده است و مجدداً این مقدار افزایش پیدا کرده بطوریکه به ۱۴۱ هزار تن معادل ۵۶۸۷ میلیون ریال در سال ۶۵ رسید و این میزان در سه ماهه اول سال ۶۶ معادل ۴۵ هزار تن برابر با ۷۴۵ میلیون ریال می باشد. علت افزایش صادرات میوه و تره بار ناشی از حذف پیمان ارزی این محصولات بوده است. چرا که با افزایش فاصله نرخ ارز آزاد و نرخ رسمی، صادرکنندگان تمایل دارند که ارز حاصل از صادراتشان را در بازار آزاد بفروشند تا اینکه به دولت تحویل دهند. هر چند که نرخ ترجیحی ارز در قبال صادرات محصولات در نظر گرفته شد ولی چندان در خصوص صادرات این محصولات مورد توجه قرار نگرفت. و اگرچه این امر - معافیت از سپردن پیمان ارزی - موجب افزایش صادرات میوه گردید، ولی نباید فراموش کرد که این مسئله موجب افزایش قیمت این محصولات در داخل کشور شده و برای صدور بیشتر صادر کنندگان حاضر شدند با نازلترین قیمت در بازارهای خارجی، کالاها خود را بفروشند. چرا که از مابه التفاوت قیمت آزاد و دولتی ارز سود قابل توجهی نصیبشان می گردد.

البته هر چند این محصولات تولیدات داخلی است ولی دولت در قبال این تولیدات مقادیر قابل توجهی ماشین آلات و بذر و کود و... وارد می کند و لازم است که تا حدودی ارز حاصله، برای جبران هزینه های موجود، به دولت واگذار گردد. در ضمن صادرکنندگان در پی یافتن بازارهای جدید، بالا بردن کیفیت و مرغوبیت کالا نخواهند بود،

چنانکه در سالهای اخیر نیز شاهد هستیم که قسمت اعظم صادرات میوه و تره بار در حوزه خلیج فارس انجام گرفته است که البته با جذب بازارهای دیگر میتوان صادرات این محصولات را بطور صحیح گسترش داد.

سایر کالاهای صادراتی کشاورزی شامل: خاویار، خرما، کتیرا، پوست و چرم می باشد. در این بین پوست و چرم (با ۲۹۹۶ میلیون ریال صادرات در سال ۶۱) و بعد از آن خرما (با ۱۱۷۶ میلیون ریال در سال ۶۱) بیشترین مقدار را بر عهده دارند.

نکته قابل توجه این است که با توجه به امکانات موجود صادراتی در کشور، درصد ناچیزی از آن صادر میشود. با یک نگاه اجمالی به جدول شماره (۴) در

## ● از اهداف عمده جمهوری اسلامی ایران، توسعه اقتصادی دولتی است و با در نظر گرفتن اینکه بخش کشاورزی و صنایع روستایی نقش عمده‌ای در صادرات غیر نفتی ایفا می‌کنند و با وجود امکان افزایش صادراتی این محصولات، لازم است توجه بیشتری به این امر مبذول گردد.

جدول شماره (۴) امکانات بالقوه صادراتی محصولات کشاورزی ارقام به: هزار تن - میلیون دلار

نوع محصول	تولید کل کشور	حداقل امکانات	کل ارزش حاصله
میوه و تره بار	۱۳۰۶۵	۹۳۰	۴۷۸
انواع کتیرا، صمغهای نباتی، ریشه های گیاهی	—	۱۴۱	۴۶۰
و دانه های کشاورزی	۶۸۷	۲۵۰	۳۱۷
انواع خشکبار	—	—	۷۴۰
سایر انواع محصولات کشاورزی و دامی	—	—	—
و انواع محصولات شیلات و آبزیان	—	—	—
جمع	—	—	حدود ۲ میلیارد دلار

مأخذ: وزارت کشاورزی - امکانات بالقوه صادرات محصولات کشاورزی

می‌بایم که تا چه حد می‌توان برای توسعه صادرات انواع محصولات کشاورزی کشور فعالیت نمود و تا چه مقدار امکان افزایش صادرات در مورد هر یک از آنها وجود دارد. با توجه به ارقام جدول مزبور، با وجود امکان صادراتی ۹۳۰ هزار تن میوه و تره بار فقط ۱۴۱ هزار تن آن صادر می‌گردد و یا از ۲۵۰ هزار تن امکان صادراتی خشکبار تنها ۷۵ هزار تن آن صادر میشود؛ به بیان دیگر با وجود امکان بالقوه صادراتی ۲ میلیارد دلاری محصولات کشاورزی، بخش کشاورزی و کالاهای سنتی در مجموع فقط ۰/۷ میلیارد دلار صادرات داشته‌اند که این رقم بسیار ناچیز است. به عبارت دیگر با توجه به امکانات بالقوه اینگونه تولیدات که می‌توانند منابع بسیار خوب درآمد ارزی باشد باید تقویت آن را هر چه بیشتر سفارش کنیم. چرا که از اهداف عمده جمهوری اسلامی ایران، توسعه اقتصادی دولتی است و با در نظر گرفتن اینکه بخش کشاورزی و صنایع روستایی نقش عمده‌ای در صادرات غیر نفتی را ایفا می‌کنند و با وجود امکان افزایش صادراتی این محصولات، لازم است توجه بیشتری بدان مبذول گردد. از محاسن توسعه

قبل و چه بعد از انقلاب، بیشترین سهم را از لحاظ ارزشی بر عهده داشته است.

ایران همیشه بزرگترین تولید کننده فرش دستباف در جهان بوده است و بطوریکه برآورد شده حدود ۲/۳ فرشهای دستباف تولیدی در بازارهای خارج فروخته میشود. صادرات فرش ایران در سالهای ۵۲-۱۳۵۰، هنگامیکه تولید در نقطه اوج خود بود به ۴ تا ۴/۵ میلیون متر مربع در سال رسید، اما این رقم در سالهای بعد تدریجاً کاهش یافت، بطوریکه در طول سال ۵۹-۱۳۵۴ میانگین صادرات ۲ میلیون متر مربع بود و این رقم در سال ۶۰ به ۷۰۰ هزار متر مربع کاهش یافته است.

سهم فرش در کل صادرات غیر نفتی (طبق ارقام جدول شماره ۵) در طول سالهای ۵۸-۱۳۵۴ بین ۱۳ تا ۱۸ درصد در نوسان بوده، ولی به یکباره سهم آن در سالهای بعد افزایش پیدا می‌کند؛ و علت را میتوان ناشی از افزایش شدید ارزش صادرات فرش، و کاهش صادرات سایر کالاها دانست، بطوریکه در یکدوره سه سال (۶۰-۵۸) بطور متوسط به ۵۰٪ بالغ گردید.

کاهش صادرات فرش در سال ۵۹ (از ۲/۴ میلیون متر مربع، در سال ۵۸، به ۱/۶ میلیون متر مربع در سال ۵۹) عمدتاً ناشی از رکود اقتصادی در اکثر بازارهای خارجی و کاهش تقاضا بوده است. البته بالا رفتن شدید قیمت فرش در بازار داخلی و اثرات آن بر روی قیمت‌های صادراتی تأثیر بسزایی در کاهش آن داشته است. به عبارتی شرایط مذکور موجب شد که وارد کنندگان فرش، بعد از سال ۵۸ سفارشهای خود را به تعویق افکنند. در خلال این مدت نیز رقبای اصلی صادراتی ایران یعنی هند، پاکستان و چین، و تولید کنندگان دیگر که اهمیت کمتری دارند، فعالیت خود را برای تسخیر بازارهای فرش گسترش دادند.

کاهش صادرات فرش ایران با افزایش مصرف داخلی این کالا مقارن بوده است و افزایش درآمد حاصل از صدور نفت در خلال سالهای ۵۳-۱۳۵۲ و ۱۳۵۷ موجب شد که فرش اهمیت خود را به عنوان یک منبع اصلی تأمین ارز از دست بدهد.

در سال ۱۳۶۱ نسبت به سال ۱۳۶۰ ارزش صادرات فرش کاهش پیدا کرد و به رقم ۶۷ میلیون دلار در این سال رسید. از جمله علل امر در این زمینه، علاوه بر دلایل ذکر شده، می‌توان اشباع بازارهای اروپایی از فرشهای بافت ایران به علت افزایش بی‌رویه صادرات فرش به کشورهای مزبور و صدور غیر مجاز فرش از مجاری غیر قانونی را نام برد. در ضمن فرار برخی از سرمایه‌داران و مهاجرت بافندگان فرش به کشورهای همجوار رقیب و بالطبع ایجاد قدرت رقابت در آنها و عدم توجه کافی به این صنعت در دوره بعد از انقلاب خود موجب تشدید کاهش صادرات گردید.

البته در طی سالهای بعد به علت توجه دولت و مسئولین

صادرات محصولات کشاورزی و فرآورده‌های آن می‌توان موارد ذیل را نام برد:

— موجبات فروش محصولات مازاد بر نیاز کشور را در جهت حمایت از تولید کنندگان آن فراهم می‌آورد.

— امکانات استفاده هر چه بیشتر از اراضی غیر مرغوب (اراضی که برای کشت محصولات اساسی و اصلی مناسب نمی‌باشند) فراهم میشود.

— صنایع روستایی و صنایع کشاورزی را توسعه داده و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی را موجب خواهد شد؛ مانند احداث واحدهای بسته‌بندی و صنایع تبدیلی و...

— ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستائیان.

به عبارت دیگر حمایت از صادرات در جهت حمایت از کشت و بهبود زندگی و معیشت زارع و بدلیل حمایت از تولید کننده امری ضروری است.

**صادرات محصولات سنتی:** از اقلام عمده صادراتی این بخش، فرش را می‌توان نام برد. فرش در بین اقلام صادراتی بخش کشاورزی و کالاهای سنتی چه در دوره



● با مقایسه آمارهای مربوط به صادرات فرش در طی دوره قبل از انقلاب کاملاً مشهود است که امکانات بالقوه صادراتی در این زمینه بیش از یک میلیارد دلار در سال است که البته این میزان کمتر از ۵۰ درصد حجم تجارت جهانی فرش را در بازارهای کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی تشکیل میدهد. از اینرو مشخص است که فرش دستباف تا حدودی می‌تواند یکی از منابع تأمین ارز مورد نیاز برای رشد و توسعه کلی کشور می‌باشد.

پیدا کرد. به عبارتی سیاستهای رژیم گذشته موجب رشد صنایع وابسته‌ای گردید که به مواد اولیه، تکنولوژی و نیروی انسانی خارجی اتکا داشت. همزمان با رشد این صنایع، صادرات محصولات آن افزایش پیدا کرد و بالطبع سهم صادرات کالاهای صنعتی در کل صادرات کشور نیز افزایش یافت. (از مشخص‌ترین مورد آن می‌توان از صادرات وسائط نقلیه نام برد که به یکباره از ۱۱/۷ میلیون دلار در سال ۵۲ به ۲۱/۲ میلیون دلار در سال ۵۳ و ۲۸/۳ میلیون دلار در سال ۵۴ رسید؛ البته همراه با آن، از سهم بخش کشاورزی و کالاهای سنتی در کل صادرات کاسته شد. صادرات کالاهای صنعتی طی سالهای ۵۶-۱۳۵۲ با

نکته قابل ذکر است که در کشور ما از دیرباز تولیدات صنعتی وجود نداشته و باصطلاح با اجرای برنامه‌های صنعتی شدن کشور تولیدات آن افزایش یافت که امکانات صادراتی آن نیز فراهم آمد یا به عبارتی این امر یک پدیده سنتی نیست.

با توجه به آمارهای برآورد شده (جدول ۱) صادرات کالاهای صنعتی از سال ۱۳۴۴ بتدریج افزایش یافت، بطوریکه از ۵/۵ میلیون دلار در سال ۴۴ به ۱۰۵/۷ میلیون دلار در سال ۵۲ رسید. بعد از سال ۱۳۵۳ همزمان با افزایش درآمدهای حاصل از صدور نفت، صنایع مونتاژ از جمله صنایع اتومبیل‌سازی، تلویزیون و رادیوسازی، شکلات‌سازی و... در ایران شکل گرفت و بمرور گسترش

امر در جهت بالا بردن کیفیت جنس و مرغوبیت نوع بافت، میزان صادرات آن افزایش پیدا کرد؛ که ارزش صادراتی آن به رقم ۲۸ میلیارد ریال معادل ۳۵۲ میلیون دلار بالغ گردید. ولی سهم صادرات فرش نسبت به کل صادرات غیر نفتی در این سال نیز معادل ۴۲ درصد می‌باشد.

با استناد به آمار منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اگر ۴۲۰ میلیون دلار صادرات فرش در سال ۱۳۵۹ (به عنوان بیشترین مقدار صادراتی) معادل ۵ هزار تن را با میزان صادرات فرش در سالهای ۱۳۵۱ معادل ۱۵ هزار تن، ۱۳۵۲ معادل ۱۳ هزار تن و ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ معادل ۱۴ هزار تن مقایسه کنیم، کاملاً مشهود است که امکانات بالقوه صادراتی در این زمینه بیش از یک میلیارد دلار در سال است که البته این میزان کمتر از ۵۰ درصد حجم تجارت جهانی فرش را در بازارهای کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی تشکیل میدهد. از اینرو مشخص است که فرش دستباف تا حدود قابل توجهی می‌تواند یکی از منابع تأمین ارز مورد نیاز برای رشد و توسعه کلی کشور باشد.

### صادرات کالاهای صنعتی

صادرات کشورهای جهان سوم و عقب‌نگه داشته شده معمولاً از مواد اولیه معدنی، محصولات کشاورزی و دامی تشکیل میشود و در طبقه بندی کالاهای صادراتی چنین کشورهایی، کالاهای ساخته شده وجود نداشته و چنانچه چنین اقلامی به چشم بخورد، درصد عمده‌ای را تشکیل نداده و بیشتر مربوط به صنایع جنبی کشاورزی و دامپروری است. دریافت کالاهای قابل صدور ایران نیز این خصیصه عمومی، کم و بیش، به چشم می‌خورد و صادرات کالاهای صنعتی نقش چندانی ندارد. البته این

جدول شماره (۵) تولید، صادرات، مصرف داخلی فرش طی سالهای مختلف

سال	۱۳۵۰	۵۱	۵۲	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
تولید (میلیون مترمربع)	۵/۵	۶/۲	۶/۵	۵/۵	۵/-	-	۴/۲	۴/۲	۴/۶	-
صادرات (میلیون متر مربع)	۳/۵	۴/۶	۳/۷	۲/۶	۲/۱	۱/۹	۱/۷	۲/۴	۱/۶	۰/۷
مصرف داخلی (میلیون مترمربع)	۲/-	۱/۶	۲/۸	۲/۹	۲/۹	-	۲/۵	-	۳/-	-
سهم فرش در کل صادرات (درصد)	-	-	-	-	-	-	۱۳/۱	۱۵/۴	۶۵/۵	۴۳/۷
ارزش صادرات (میلیون دلار)	-	-	-	-	-	۶/۶	۵/۸	۵/۹	۳۰/۱	۱۱/۸
فرش دستباف (میلیون دلار)	-	-	۱۰۸	۱۰۶	۹۳	۸۱	۸۳	۴۰۷	۴۲۰	۱۴۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



صادرات کلوخه های معدنی

با مشاهده ارقام جدول (۱) دومی یابیم که صادرات کلوخه های معدنی سهم کمتری را در کل صادرات غیر نفتی بخود اختصاص داده است. منظور از این کالاها، انواع سنگها، کرومیت، کلوخه های کانی فلزی و نظایر آن است. این گروه همواره بخش کوچکی از صادرات غیر نفتی را تشکیل میداده و در حال حاضر نیز سهم عمده ای در ایجاد درآمد ارزی ندارد و ارزش و سهم آن پس از انقلاب نیز با کاهش مواجه بوده است. عمده ترین تولیدات این بخش اکثراً بصورت خام صادر میشود و بدلیل مختلف از قبیل در نظر نگرفتن اهداف بلند مدت اقتصادی و عدم توجه کافی به این بخش، مشخص نبودن سیاست معدنی کشور و تعطیلی برخی از معادن به جهت جلوگیری از اتمام ذخایر کانی فلزی و حفظ آن برای کارخانه های ذوب فلزی آینده، نارسائی شبکه حمل و نقل کشور و عدم استفاده از تأسیسات بعضی بنادر مهم صادراتی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و... صادرات آن کاهش یافته است.

مآخذ آماری:

- ۱- «بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب» بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- «بررسی امکانات بالقوه صادرات محصولات کشاورزی» وزارت کشاورزی
- ۳- «اقتصاد ایران» جزوه درسی دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران
- ۴- نشریات «بررسیهای بازرگانی داخلی» و «تراز» - مرکز پژوهشهای بازرگانی
- ۵- کیهان هوایی مورخ ۶۶/۲/۳۰
- ۶- آمار بازرگانی خارجی گمرک ایران
- ۷- سالنامه آماری طی سالهای مختلف

و شکلات و وسائط نقلیه این کاهش به ۷۰ درصد می رسد و تنها ارزش صادرات تریکو و مواد شیمیائی تغییر چندانی نکرده است.

طی سالهای گذشته پودر لباسشویی از عمده ترین اقلام صادرات صنعتی محسوب می شد، اما از سال ۵۸ به علت کاهش تولید، علیرغم امکانات لازم برای تهیه و ازدیاد تولید، صادرات این کالا متوقف گردید و بازارهای صادراتی در اختیار رقبای ایران قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۹ مهمترین اقلام صادراتی بیسکویت و مواد شیمیائی و ملبوس آماده بوده که جمعاً ۹۵ درصد ارزش کل صادرات صنعتی را در بر می گیرد.

در سال ۱۳۶۰ بدلیل کافی نبودن تولید برخی از کالاهای صنعتی برای تأمین نیازهای داخلی و توقف صادرات آنها و گرانتر بودن تعدادی از این محصولات در مقایسه با قیمتهای عرضه شده توسط کشورهای رقیب، صادرات کالاهای صنعتی کاهش یافت و تنها صدور کالاهایی چون پارچه های پشمی و منسوجات الیاف مصنوعی افزایش یافت.

صادرات این کالاها در سال ۶۱ روند صعودی یافت و از ۱۳/۲ میلیون دلار در سال ۶۰ به ۲۱/۳ میلیون دلار در سال ۶۱ رسید. در این سال صادرات پودر لباسشویی مواد شیمیائی غیرآلی، سیمان و... که بکلی متوقف شده بود، مجدداً آغاز شد.

در طی سالهای ۶۲ و ۶۳ نیز به علت کاهش درآمد حاصل از صدور نفت، تأکید بر افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی مطرح گردید؛ لذا ضرورت افزایش صادرات کالاهای صنعتی برای افزایش درآمد ارزی نیز مشهود بود؛ و بر این اساس صادرات اینگونه کالاها افزایش پیدا کرد و به ۲۷/۳ میلیون دلار در سال ۶۳ بالغ گردید.

متوسط رشد سالانه معادل ۶/۴٪ از ۱۰۵/۷ میلیون دلار در سال ۵۲ به ۱۳۵ میلیون دلار در سال ۵۶ افزایش یافت. روند صعودی صادرات اینگونه کالاها در سال ۵۷ نیز ادامه یافت؛ بطوریکه ارزش آن در این سال حدود ۲۰ درصد بیش از سال قبل گردید و به رقم ۱۶۳ میلیون دلار بالغ گردید. در ضمن سهم آن نیز در کل صادرات غیرنفتی افزایش یافت و از ۱۶/۶ درصد در سال ۵۲ به حدود ۳۰ درصد در سال ۵۷ رسید.

در دوره قبل از انقلاب همواره ملبوس آماده و تریکو و انواع پارچه بیشترین سهم صادراتی را بر عهده داشته و مواد شیمیائی غیرآلی و پودر لباسشویی و وسائط نقلیه در رتبه های بعد قرار داشته اند.

در دوره بعد از انقلاب صادرات اینگونه کالاها با افت قابل ملاحظه ای روبرو شد (این افت هم از نظر ارزش و هم از نظر سهم آن در کل صادرات مشاهده میشود). علت این افت را می توان، افزایش هزینه تولید، وابستگی به مواد اولیه و ماشین آلات خارجی، محدودیتهای وارداتی و تعطیلی برخی از واحدهای صنعتی، کمبود نیروهای سانی ماهر و... دانست. بطوریکه طبق جدول شماره (۱) ارزش آن در سال ۵۷ که معادل ۱۶۳ میلیون دلار بود به ۶۶/۲ میلیون دلار در سال ۵۸ رسید و مجدداً در سالهای ۵۹ و ۶۰ تقلیل پیدا کرد و سهم آن نیز از ۳۰٪ در سال ۵۷ به ۸/۲٪ در سال ۵۸ و ۳/۹ درصد در سال ۶۰ کاهش یافت. به عبارتی سالهای ۶۰-۵۸ از نظر صدور کالاهای صنعتی سال موفقی نبوده است.

همانطور که در جدول شماره (۶) مشاهده میشود در سال ۵۸ صدور برخی از اقلام صنعتی مانند پودر لباسشویی، مستیک و وسائط نقلیه و روغن نباتی تقریباً بطور کامل توقف شد، در مورد تعداد دیگری از کالاها نظیر بیسکویت

جدول شماره (۶) ارزش صادرات گمرکی کشور (بدون نفت و گاز) - (میلیون دلار)

نام محصول	۱۳۵۱	۱۳۵۳	۱۳۵۵	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۶۰	۱۳۶۲	۱۳۶۵
قرش	۹۰/۶	۱۱۹/۱	۹۴/۵	۸۳/۹	۴۰۸/۹	۱۴۹/۴	۸۸/۹	۳۵۲
پنبه	۷۸/۹	۸۵/۳	۱۲۲/۳	۱۰۳/-	۷۷/-	۰	۰	م-ن
میوه های تازه خشک	۵۷/۴	۷۱/۸	۷۰/۳	۷۴/۹	۱۱۴/۷	۵۸/۴	۱۲۵/۵	۲۲۵
انواع پوست و چرم	۲۸/۲	۲۷/۸	۳۱/۹	۳۹/۲	۴۹/۳	۵۳/۴	۳۴/۶	م-ن
کلوخه های کانی فلزی	۱۹/۲	۳۲/۸	۱۰/۲	۱۰/۹	۲۰/۶	۵/-	۱۲/۵	۲۷
پودر لباسشویی و صابون	۱۵/۶	۱۲/۱	۱۹/۳	۹/۱	۰/۹	۰	۰/۱	م-ن
کفش	۱۳/-	۷/۴	۵/۷	۳/۸	۴/۶	۰/۵	۲/۸	م-ن
ملبوس آماده تریکو، انواع پارچه	۳۶/-	۴۴/۲	۲۶/۷	۲۰/۱	۱۱/۷	۸/۹	۱۰/-	م-ن
وسائط نقلیه	۲/-	۲۱/۲	۲۴/۲	۹/۵	۲/۵	۰/۳	۱/۴	م-ن
سایر	-	۱۵۹/۸	۱۸۷/۸	۱۸۸/۴	۱۲۱/۶	۶۳/۶	۸۰/۸	-
جمع	-	۵۸۱/۵	۵۹۲/۹	۵۴۲/۸	۸۱۱/۸	۳۳۹/۵	۳۵۶/۶	۹۰۰

خذ: آمار بازرگانی خارجی ایران.